

# بحران اتمی حافظ موجودیت جمهوری اسلامی

یکشنبه ۹ خرداد ۱۳۸۹ - ۳۰ می ۲۰۱۰

م. نکوکار

در روزهای اخیر شاهد شعبده بازی های تازه ای از جانب سران جمهوری اسلامی و خصوصا خود احمدی نژاد برای به ظاهر حل بحران هسته ای هستیم در این میان نقش بازیگران جدید این صحنه یعنی ترکیه و برزیل نیز خود جای تامل دارد. چرا که این دو کشور با مداخله در این جریان خصوصا با حمایت از پیشنهادی که عملاهیچکدام از خواسته های اساسی جامعه بین المللی را بر آورده نمیکند در واقع اعتبار بین المللی خود را بر روی میزی به قمار گذاشتند که باخت آن از پیش مشخص بود، اینرا در سخنان آقای اردوغان قابل از مسافرت به ایران به وضوح کامل میتوانست احساس کرد. حال باید این پرسش را مطرح کرد که اینبار قدرتمداران کدام مصلحت و یا ثروت ملی را فدای پیشبرد اهداف خود کرده اند، اهدافی که در خوشبینانه ترین حالت آنرا مشکوک باید نامید. آیا داستان ۱۸ میلیارد دلاری که سال گذشته مدتی نقل محافل و مطبوعات بود و آقای اردوغان آنرا هدیه ای خواند که از آسمان در دامن اقتصاد بحرانی ترکیه افتاد، نرخی بود که برای یک چنین سودایی باید پیش پرداخت میشد؟ و در این میان سهم برزیل در کدام معامله پشت پرده پرداخت شده بود؟

گذشته از نقش این دو کشور که به نظر من تغییری در ماهیت حرکت جمهوری اسلامی نمیدهد باید دید که در وهله اول آیا اساسا ج-ا خواهان حل مساله اتمی هست

بررسی اجمالی تاریخچه پرونده اتمی ایران و شرایط کنونی شاید پاسخ این پرسش را در بر داشته باشد،

آنچه که انکار آن از نظر من امکان پذیر نیست این است که جمهوری اسلامی از ابتدای پیدایش موجودیت خود رامدیون ایجاد و تشدید بحران، چه در داخل و چه در صحنه بین المللی بوده و این مشخصه هر حکومت دیکتاتوری و توتالیتر است که در سایه بحرانهای خود ساخته و به بهانه این بحرانها مخالفان خود را با کمترین هزینه سرکوب کند. همه ماهنوز بخاطر داریم که چگونه جمهوری اسلامی مدت کوتاهی قابل از پایان یافتن جنگ ۸ ساله و نوشیدن جام زهر توسط خمینی مهلک ترین ضربه را بر پیکر مبارزات مردمی و مردم مبارز فرود وارد

و هزاران تن از بهترین و فرهیخته ترین جوانان این آب و خاک را به دست جلادان سپرد.

بعد از پایان این جنگ و دوران به اصطلاح سازندگی رفسنجانی وقتی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ علیرغم تمایل آشکار آقای خامنه ای، به جای آقای ناطق نوری، خاتمی از صندوق های آرا بیرون آمد، دوره ای آغاز شد که در آن در سایه فضای آزاد نیم بندی که پدید آمده بود مردم و خصوصا جوانان این امکان را پیدا کردند که به خواسته هایشان بیندیشند و آنها را مطرح کنند، و این مساله در مدت کوتاهی موجب شد که نگاه جهانیان کمی بیشتر متوجه اوضاع داخلی ایران شود. جناح سرکوبگر و تمامیت خواه که در این شرایط خصوصا بعد از سرکوب دانشگاه هزینه سرکوب علنی را بسیار بالا ارزیابی کرده بود نیاز شدیدی به ایجاد یک بحران دیگر پیدا کرده بود که بتواند بر دیگر توجه جهانیان را از اوضاع داخلی ایران منحرف کند. به عبارت دیگری از نظر من جمهوری اسلامی با محاسبه ضعف بین المللی در مورد اقدام مشترک عملی، دست به یک قمار حساب شده زد و برای منحرف کردن افکار جهانیان از اوضاع داخلی ترتیبی داد که گوشه ای از فعالیت های هسته ایش آشکار شود. در سالهای اخیر همه ما شاهد بوده ایم که این مساله چگونه در هر مقطعی که جمهوری اسلامی با بحرانی مواجه بوده به داد زورمداران رسیده و مانند پرده ای از دود مانع شده که جهانیان آن توجهی که لازم است به مسائلی چون حقوق بشر و سرکوبهای داخلی داشته باشند. البته پر واضح است که این سیاست تا کنون هزینه های وحشتناکی بر گرده اقتصاد بیمار کشور و طبقات کم درآمد ایران گذشته است. در این میان میتوان به اجمال از واردات بی حساب و بی حد و حصر از چین که بنیاد تولیدات داخلی را از صنعت تا کشاورزی برانداخته است، قرارداد های نظامی کمرشکن با روسیه و گذشت از بخش اعظم سهم ایران از دریای خزر و دهها نمونه از این دست اشاره کرد. به عبارت دیگر قدرتمداران جمهوری اسلامی برای حفظ موجودیت خود حاضر به پرداخت هرگونه هزینه ای به حساب مردم و خاک ایران هستند. بعد از حدودا یک سالی که از خیزش مردمی ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ و آشکار شدن هرچه بیشتر جنایات جمهوری اسلامی بر علیه مردم آزادیخواه ایران در تمام دنیا میگذرد. در اثر جانفشانیهای مردم امروز دیگر کمتر کشوری در جهان پیدا میشود که حاضر باشد حیثیت و اعتبار خود را در گرو حمایت از رژیم جنایتکاری چون جمهوری اسلامی بگذارد و سرنوشت خود را به حیات رو به زوال این رژیم گره بزند خصوصا که روز به روز آشکارتر میشود که در اثر سیاستهای بیخردانه دولت احمدی نژاد در زمینه اقتصادی دیگر کفگیر ثروت بیکران نفتی هم به ته دیگ میخورد. در چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی برای سرکوب

جنبشی که نفسهای داغش را بر گردن خود احساس میکند نیاز به ایجاد بحرانی گسترده تر از همیشه دارد چرا که بخوبی آگاه است که اینبار دیگر با جنبشی رو در رو است که جز به سرنگونی ارکان این رژیم رضایت نخواهد داد.

از طرف دیگر سرکوبگران جمهوری اسلامی که در یک سال گذشته از هیچ جنایتی در حق آزادیخواهانی که در کمال آرامش و متانت خواستار پایه ای ترین حقوق شهروندی خویش هستند دریغ نکرده است و هر روز با گسترده تر کردن دامنه جنایات خود تلاش در تمدید حیات این حکومت محکوم به مرگ دارد، احساس میکند که هزینه این سرکوبها بطور غیر قابل تحملی در عرصه داخلی و بین المللی افزایش میابد. حرکت گسترده مردم در داخل و خارج کشور بعد از اعدام پنج نفر در نهم ماه مه گذشته موید این امر بود.

با چنین تحلیلی از ماهیت جمهوری اسلامی از یک سو و تغییر لحن و رفتار جامعه جهانی در مقابل این حاکمیت از طرف دیگر و با توجه به شرایط اپوزسیون، ادامه شرایط کنونی دو راه بیشتر فراروی جمهوری اسلامی نمی گذارد

راه اول تکرار تجربه سال ۶۷ است که قبل از سر کشیدن جام زهرچشم پوشی از حق مسلم شان دست به کشتاری وسیع از آزادیخواهان و نخبگان بزنند به امید اینکه با سر کشیدن جام زهر خاک در چشمان جهانیان بپاشند و اوضاع را باز چند صباحی به نفع خود تغییر دهند.

راه دوم با پا فشاری بر مواضع اتمی خود و ادامه سیاست های تحریک آمیز خود در منطقه در واقع راه را برای جناحهای جنگ طلب چه در امریکا و چه در اروپا چنان هموار کنند که به اسرائیل برای حمله به تاسیسات اتمی ایران چراغ سبز بدهند که این امر با توجه به مواضع اکثر قریب به اتفاق کشورهای عربی که اکنون آشکارا نگرانی خود را از ملامت های مسلح به سلاح اتمی ابراز میکنند چندان دور از ذهن نیست. در سایه چنین جنگی است که ج.ا امیدوار است مدت زمانی دیگر موجودییتش را حفظ کند.

با توجه به این شرایط ناگفته پیداست که اپوزسیون از نظر زمانی در یک تنگنا قرار دارد و هر لحظه ای که از دست میرود فرصتی است از دست رفته که میتواند سرنوشت جنبش را به چنین ناکجا آبادی بکشاند. به نظر من حفظ و گسترش شرایطی که بعد از اعدام پنج نفر در بین اپوزسیون چه در داخل و چه در خارج از کشور از نظر همبستگی پیش آمداساسی ترین کلید برای گسترش حرکات اعتراضی به شکلی است که از

طرفی امکان و فرصت سرکوب را در داخل از ج.ا بگیرد و از جانب دیگر جامعه جهانی را به سمتی سوق داد که به جای عمده کردن مساله اتمی و آب ریختن به آسیاب جنگ طلبان ج.ا تلاش خود را متوجه مسائلی چون حقوق بشر و... بکنند. بیایید با ادامه حرکات مشترک و گسترده به جهانیان نشان دهیم که تنه‌اراه مقابله با جاه طلبی‌های رژیم‌های خنده جوانان دانشجو و شادی کودکان را در مهد کودک تهدیدی برای موجودیت خود میدانند، حکومتی که برای حفظ خود بالاترین تعداد اعدامها را در جهان دارد و جنایاتش در زندانها شاید در تاریخ معاصر دنیا بی سابقه است. حمایت از مبارزات مردم و بایکوت سیاسی و اقتصادی این رژیم است. بیایید به مردم جهان ثابت کنیم که اگر این جنبش مجبور به عقب نشینی طولانی مدت شود و این رژیم فرصت پیدا کند، اینبار صلح منطقه و جهان است که با خطرات جدی مواجه خواهد شد.

بیست و هشتم ماه مه ۲۰۱۰